

سرشناسه: جابری، محمدعلی، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور: آقا محسن / نویسنده محمدعلی جابری؛ تصویرگر امیر گروسیان.
مشخصات نشر: قم: نشر کتابک، ۱۴۰۰. / مشخصات ظاهری: ۴۸ ص.؛ مصور.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۴۵-۹۷-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: حججی، محسن، ۱۳۷۰ - ۱۳۹۶. / موضوع: Hojaji, Mohsen
موضوع: شهیدان -- سوریه -- سرگذشتنامه / Biography -- Syria -- Martyrs
شناسه افزوده: گروسیان، امیر، ۱۳۷۳-، تصویرگر
رده بندی کنگره: BP۵۲/۶۶
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۸۴
شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۵۶۸۰۳

آقا محسن

ناشر: کتابک

نویسنده: محمدعلی جابری / تصویر جلد: میکائیل براتی

تصویرگران: امیر گروسیان، علیرضا باقری

گرافیک: گروه هنری هنری پتوس

چاپخانه: زلال کوثر / نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۴۵-۹۷-۰

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان



تلفن دفتر نشر / قم: ۳۷۸۳۷۴۸۳ - ۰۹۱۰۶۶۰۴۳۲۱
بخش تهران / کمال اندیشه: ۵ - ۶۶۹۷۳۶۶۳

فهرست

در یک نگاه/ ۵

آقا محسن/ ۶

خمپاره/ ۹

غیبت ممنوع/ ۱۰

پیرمرد/ ۱۳

سرزمین موج‌های آبی/ ۱۴

شب پیروزی‌ها/ ۱۷

تخت فولاد/ ۱۸

لباس نوکری/ ۲۰

توپ بازی/ ۲۲

بچه‌ی حاج احمد/ ۲۵

وسط اذان/ ۲۶

پلیس ۲۹/۱۱۰

دوغ خنک/ ۳۰

حاج احمد/ ۳۲

کولر/ ۳۵

جریمه/ ۳۷

سیزده به در/ ۳۸

اردوی جهادی/ ۴۰

الاغ موجی/ ۴۲

ماشین آجر/ ۴۴

برای پسر/ ۴۶

خودآزمایی/ ۴۷

در یک نگاه

۲۱ تیرماه سال ۱۳۷۰ پسرهای زیادی در ایران به دنیا آمدند، اما یکی از آنها ۲۶ سال بعد باعث سربلندی همه‌ی ایرانی‌ها شد. محسن حججی در شهر نجف‌آباد به دنیا آمد و تا آخر عمر در همانجا زندگی کرد. پدرش راننده‌ی تاکسی بود و مادرش خانه‌دار. در کنار آنها بزرگ شد و از آنها دین و اخلاق را فرا گرفت. از کودکی نماز و روزه را شروع کرد و منتظر سن تکلیف نماند. در همان دوران کودکی وقتی پدر و مادر سحر ماه رمضان بیدارش نمی‌کردند، بدون سحری روزه می‌گرفت. قرآن را هم خیلی زود یاد گرفت و معمولاً در مدرسه سر صف قرآن می‌خواند.

راهنمایی که بود با مؤسسه‌ی شهید کاظمی به اردوی راهیان نور رفت. از اردو که برگشت، تصمیم گرفت با مؤسسه همکاری کند. البته روزهای اول ارتباطش خیلی قوی نبود، حتی مدتی با مؤسسه قطع رابطه کرد، اما دوباره فعالیت‌هایش را از سر گرفت. بعد از اینکه امام خامنه‌ای از فعالیت‌های مؤسسه برای ترویج کتاب‌خوانی تقدیر کرد، محسن تصمیم گرفت همه‌ی توانش را بگذارد برای ترویج کتاب و کتاب‌خوانی.

شهید حججی از تنبلی و راحت‌طلبی بیزار بود. با اینکه می‌توانست سربازی‌اش را در نجف‌آباد باشد، به پیشنهاد خودش او را به پادگانی در دزفول فرستادند. از سربازی که برگشت ازدواج کرد. به خاطر علاقه‌اش به شهادت مدتی بعد از ازدواج شغل پاسداری را انتخاب کرد. بعد از اینکه داعش به سوریه حمله کرد، با التماس اسمش را در لیست متقاضیان دفاع از حرم نوشت و راهی سوریه شد. آقا محسن بعد از دو بار اعزام به سوریه، در دوشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۶ به دست داعشی‌ها اسیر شد و دو روز بعد به شهادت رسید.